

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

پشت خط آمریکا

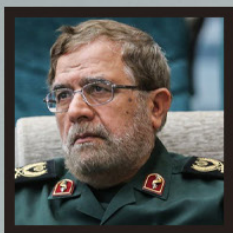
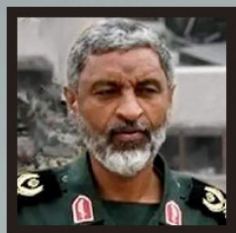
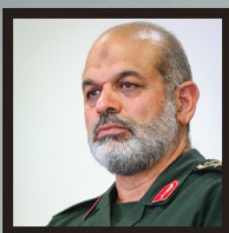
اظهارات اخیر مسعود پزشکیان درباره تماس‌های نیمه شب عراقچی با طرف آمریکایی، ناخواسته پرسشی جدی را روی میز گذاشته است: این تماس‌ها دقیقاً با اجازه چه کسی، از چه کانالی، با چه سطحی از نظارت و درباره چه موضوعاتی انجام می‌شود؟ وقتی مواضع و پیام‌های یک وزیر خارجه می‌تواند بر محاسبات دشمن، افکار عمومی و حتی بازار نفت اثر بگذارد، دیگر نمی‌توان «ارتباطات خارج از قاعده» را مسئله‌ای شخصی یا عادی تلقی کرد.



صدور احکام جداگانه فرمانده کل قوا

برای شش فرمانده عالی‌رتبه در ستاد کل نیروهای مسلح، سپاه پاسداران و بسیج

تکمیل آرایش میدان



ایران آماده برای یک جنگ طولانی

۶

اعتراض هیات رئیس به رئیس

۲



چاه پاکستان برای میانجیگری خشک است

امیر شهشاهی
روزنامه نگار

صفحه ۲

سیاسی

صفحه ۵

اقتصادی

همه امور با رهبری هماهنگ است؟

ادعای «هماهنگی کامل» دولت با رهبر انقلاب، این بار در ماجرای تغییر دبیر شورای عالی امنیت ملی با چالشی جدی روبه‌رو شده است؛ جایی که رفتار دولت در قبال ماندن محمدباقر ذوالقدر، با روایت‌های پیشین رئیس‌جمهور از هماهنگی با رهبری فاصله دارد.

هزینه ساخت مسکن دو برابر شد

گزارش مرکز آمار ایران از شاخص و متوسط قیمت نهاده‌های ساختمانی شهر تهران در بهار ۱۴۰۵، تصویری نگران‌کننده از هزینه‌های تولید مسکن ارائه می‌دهد. شاخص قیمت نهاده‌های ساختمان‌های مسکونی شهر تهران در این فصل به ۳۳۶.۴ رسید.

سخنگوی وزارت امور خارجه روز دوشنبه ۱۹ مرداد از دعوت پاکستان از قالیباف و عراقچی برای سفر به اسلام‌آباد خبر داده و گفته این سفر «در زمان مناسب» انجام خواهد شد. اما سؤال اینجاست که این «زمان مناسب» قرار است برای تکرار کدام تجربه تلخ فرا برسد؟ وقتی نتیجه یک مسیر قبلاً پیش چشم همه قرار گرفته، اصرار بر بازگشت به همان مسیر دیگر صرفاً یک انتخاب دیپلماتیک نیست؛ مسئله‌ای است که باید درباره منطق و پشتوانه آن توضیح داده شود.

متن کامل در صفحه ۷

پس از چند ماه اعتراضات گسترده نمایندگان به مدیریت آشفته مجلس، حالا صدای اعضای هیات رئیسه هم درآمده است

اعتراض هیات رئیسه به رئیس

است. با این حال، بررسی عملکرد دولت پزشک‌یان در حوزه‌های مختلف، نشان می‌دهد که رویه‌ی عملی این دولت، فاصله‌ای عمیق با ادعاهای مطرح‌شده دارد و «حق دانستن» مردم در عمل، با ابهام و سکوت پاسخ داده شده است.

سخن‌گوی دولت چهاردهم با انتشار یادداشتی تحت عنوان «مردم حق دارند بدانند»، شفافیت و صداقت با ملت را وظیفه‌ی ذاتی این دولت معرفی کرده و بر لزوم توضیح‌درباره‌ی تصمیم‌ها، دشواری‌ها و حتی هزینه‌های آن تأکید ورزیده



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

کردم و آخرهم عرض می‌کنم: بنده خادم نمایندگان هستم، اما پیش از آن یک عضو مجلس هستم. اگر در هیات رئیسه حرقم شنیده نشود، اینجا به عنوان نماینده مردم حرقم را خواهم زد.

قالیباف از مسئولیت مذاکرات استعفا دهد تا به کارهای مجلس برسد

نماینده خمینی‌شهر در جلسه مجازی اخیر مجلس در تذکری خطاب به قالیباف (که البته در جلسه غایب بود) گفت: بهتر است آقای قالیباف از ریاست تیم مذاکره‌کننده و مسئولیتش در مسائل هماهنگی با چین و استعفا دهد تا به کار اصلی خودش که اداره امور و کار مجلس است برسد.

تذکره‌رسانی در جلسه مجازی مجلس

همچنین در جریان جلسه مجازی دو روز پیش مجلس، حجت‌الاسلام حمید رسایی نائب رئیس کمیسیون فرهنگی اظهار داشت: چرا آئین نامه رعایت نمی‌شود! شرایط اضطراری بودن جلسه امروز چیست که جلسه مجازی شده؟! چرا زیر ساخت‌های لازم برای جلسات مجازی فراهم نشده؟! چرا برای ادامه جلسات مجازی از نمایندگان نظرخواهی نشده است؟!



برای این جلسه رأی‌گیری شد؟! عضو هیات رئیسه مجلس در ادامه اظهار داشت: شرایط کشور به گونه‌ای است که همه کارکنان ۱۰۰٪ سرکار خود حاضر می‌شوند. وی با بیان اینکه در بستر مجازی امکان رسیدگی به همه ظرفیت‌ها وجود ندارد، خطاب به حاجی بابایی گفت: بارها تذکر داده شد و در خلاصه مذاکرات هم هست که وعده داده شد که همه ابهامات در این باره لحاظ می‌شود، اما متأسفانه لحاظ نشد. گودرزی در ادامه با بیان اینکه در خصوص برگزاری جلسات به صورت تلفیقی نیز بحث شده است، اظهار داشت: در حال حاضر در این ساختمان حداقل ۵۰ نماینده حضور دارند و می‌توانیم بگوئیم هر کمیسسیون سه نفری‌اید، اعضای هیات رئیسه هم ۱۰ یا ۱۱ نفر هستند؛ جمعاً حدود ۵۰ نفر. جلسه را حضوری برگزار کنیم تا مردم مجلس را احساس کنند.

نماینده بروجرد همچنین به حق کارگرانی که به ناحق تعدیل شده‌اند اشاره کرد و تصریح داشت: «چه کسی باید پاسخگو باشد؟ وزیر کار یا وزیر صنعت؟ آشفتنگی قیمت‌ها در بازار به خاطر رهاشدگی و ضعف نظارت را کجا باید پیگیری کرد؟ هزار مسئله وجود دارد که الزاماً باید در فضای مجلس پیگیری شود.» گودرزی همچنین به فضای نامناسب برای طرح دغدغه مردم از سوی نمایندگان اشاره کرد و اظهار داشت: «همکاران ما رغبت نمی‌کنند که بیایند اینجا نطق کنند، چون فضا، فضای مناسبی نیست.» نماینده مردم بروجرد در مجلس در پایان تصریح داشت: «اطلاع دارم که شاید برخی از همکاران به بنده خرده بگیرند که «آقای گودرزی، خودت که عضو هیات رئیسه‌ای!» اما بنده اول عرض

جلسات مجازی مجلس در حالی بعد از ۵ ماه تعطیلی صحن علنی در حال برگزاری است که از آغاز تشکیل این جلسات انتقادات و ایرادات گسترده‌ای از سوی نمایندگان مجلس به این جلسات وارد شد. از جمله ایراداتی نظیر، عدم پخش زنده جلسات توسط رادیو و رسانه‌ها، عدم ادای سوگند برخی از اعضای هیات رئیسه، تشکیل شورای‌های موازی و جدید، غیبت رئیس مجلس در جلسات، به حد نصاب نرسیدن برخی از جلسات و... با این حال و با وجود دلسوزی برخی نمایندگان که مکرراً نسبت به نقض، بی‌قانونی و دورزدن‌های قانونی اعتراض داشتند و همواره متهم به وحدت شکنی می‌شدند، روز گذشته صدای اعضای هیات رئیسه مجلس هم نسبت به بی‌قانونی‌های هیات رئیسه درآمد.

عباس گودرزی، نماینده بروجرد و عضو هیات رئیسه، در جلسه مجازی اخیر مجلس، تصریح داشت که اگر نکته‌ای را در هیأت رئیسه مطرح کند و به نتیجه نرسد، حتماً به عنوان نماینده مردم در مجلس نیز پیگیری خواهد کرد. نماینده مردم بروجرد با بیان اینکه ماده ۱ آیین‌نامه داخلی رعایت نمی‌شود، اظهار داشت که گاهی کوتاهی از سوی هیأت رئیسه است و گاهی اصل زمینه تحقق آن فراهم نیست.

وی ادامه داد: در ماده یک به «شرایط اضطرار» اشاره شده است، اما آیا فقط ما باید از بین همه پیامبران به «جرجیس» بسنده کنیم؟ آیا همه وضعیت‌ها فقط مجازی است که همیشه باید جلسات را به صورت مجازی برگزار کنیم؟ گودرزی تصریح کرد که در انتهای آیین‌نامه تصریح شده است که برای برگزاری جلسات مجازی، باید در همان جلسه رأی‌گیری شود؛ اما آیا در جلسه قبل



صدای یک عضو دیگر هیات رئیسه هم

علاوه بر این علیرضا سلیمی، نماینده مردم تهران و عضو هیات رئیسه مجلس در نشست علنی روز دوشنبه (۱۹ مردادماه) مجلس که به صورت مجازی برگزار شده، در اخطار قانون اساسی عنوان کرد: مطابق اصل ۶۶ قانون اساسی، مجلس باید بر اساس آئین‌نامه داخلی اداره شود؛ که بر اساس ماده ۱ اصلاحی قانون آئین‌نامه داخلی مجلس، در حال حاضر جلسات به دلیل شرایط اضطرار به صورت مجازی برگزار می‌شود و مبنای تشخیص اضطرار هم نامه دبیر شعام بوده است؛ حال که دبیر شعام تغییر کرده است، باید برای جلسات هفته آینده مجلس از دبیر شعام استفسار شود که آیا اضطرار بر قوت خود باقی است یا خیر؟!

گزارش کوتاه

اعتراض ۶۳ نماینده به توسعه اختیارات رئیس‌جمهور در حوزه فضای مجازی

گروه سیاسی: روز گذشته، جمع کثیری از نمایندگان مجلس در نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضائیه و شورای نگهبان نسبت به مداخله و افزایش اختیارات رئیس‌جمهور در فضای مجازی اعتراض و ایرادات مطرح کردند. اقدام اخیر رئیس‌جمهور در توسعه غیرقانونی اختیارات خود در حوزه فضای مجازی و ایجاد «ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور»، محور انتقادات نمایندگان مجلس بویژه اعضای هیات رئیسه مجلس بود. محور اصلی اعتراض نمایندگان این بود که دولت و رئیس‌جمهور نمی‌توانند با تصویب یک مقرر اجرایی، اختیاراتی برای خود ایجاد کند که آثار آن متوجه مجموعه گسترده‌ای از دستگاه‌ها، نهادها و کاربران فضای مجازی باشد؛ مگر آنکه چنین صلاحیتی مستند به قانون یا مجوز معتبر بالادستی باشد. هرچند پس از اصلاح مصوبه، نقش ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی محدودتر شده و بیشتر جنبه مشورتی پیدا کرده است، اما نمایندگان معتقدند ایراد اصلی همچنان باقی است. یکی از مهم‌ترین محورهای نامه نمایندگان، بررسی منشأ قانونی اختیاراتی است که در مصوبه دولت پیش‌بینی شده است. نمایندگان معتقدند برخی از اختیارات پیش‌بینی شده در مصوبه دولت، از سطح هماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی فراتر رفته و به حوزه تصمیم‌گیری عمومی وارد شده است. بر همین اساس، آنان از فقهای شورای نگهبان خواسته‌اند نسبت به حدود شرعی و قانونی این اختیارات اعلام نظر کنند. بخش دیگری از اعتراض نمایندگان به جایگاه شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی مربوط است. این نهادها با هدف ایجاد هماهنگی و تمرکز در سیاست‌گذاری فضای مجازی تشکیل شده‌اند و اعطای اختیارات گسترده به یک سازوکار ایجاد شده در دولت، حتی اگر پس از اصلاحیه نقش آن محدود شده باشد، می‌تواند موجب تضعیف جایگاه نهادهای اصلی حکمرانی فضای مجازی شود. یکی از مهم‌ترین محورهای اعتراض نمایندگان، به حدود اختیارات دولت در ایجاد صلاحیت‌های جدید برای رئیس‌جمهور مربوط است. امضاکنندگان نامه معتقدند قوه مجریه صرفاً در چارچوب اختیارات مقرر قانونی می‌تواند اقدام به تنظیم امور اجرایی کند و نمی‌تواند از طریق تصویب نامه یا ایجاد سازوکارهای اجرایی، اختیاراتی فراتر از حدود تعیین شده برای خود ایجاد کند.

خبر کوتاه

دیدار نماینده ویژه رهبر معظم انقلاب با خانواده‌های شهدا و جانبازان لامرد

نماینده ویژه‌اعزامی از سوی مقام معظم رهبری به لامرد، با همراهی نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی و امام جمعه شهرستان لامرد با حضور در منازل خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان، این عزیزان را مورد تقدیر قرار داد و ضمن بررسی مطالبات آنان، سلام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را به خانواده‌های معظم شهدا و جانبازان جنایت جنگی آمریکا در لامرد ابلاغ کرد. در این دیدارها همچنین با اهدای کلام‌الله مجید و هدایایی از سوی رهبر معظم انقلاب، از صبر، ایستادگی و فداکاری خانواده‌های معظم شهدا تجلیل و قدردانی شد. حجت‌الاسلام محمد تقی وکیل‌پور در ادامه با حضور در تجمعات شبانه مردم لامرد به ایراد سخنرانی پرداخت و ضمن ابلاغ سلام حضرت آیت‌الله‌سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای به مردم شهیدپرور این شهرستان، تأکید کرد: رهبر معظم انقلاب در صحت و سلامت کامل و با تسلط بر مباحث راهبردی، به هدایت نظام مشغول هستند و دغدغه اصلی ایشان همواره حل مشکلات مردم، به ویژه اقشار محروم بوده است؛ از این رو تبیین این سیره مجاهدانه و سادگی زیست‌نامه برای نسل جوان، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

دولت

همه امور با رهبری هماهنگ است؟



یکی از عبارات و کلیواژه‌هایی که در دوره ریاست‌جمهوری مسعود پزشکیان به ادبیات سیاسی ایران راه یافت، ادعای هماهنگی همه امور اجرایی با رهبر معظم بوده و هست. نقطه شروع این فضا سازی‌ها در جلسه رای اعتماد به وزرای دولت چهاردهم در مجلس رقم خورد آنجا که پزشکیان با یک روایت مبهم و خلاف واقع در تریبون مجلس مدعی شد که همه اعضای پیشنهادی کابینه با رهبری هماهنگ شده است! اما پس از آن، رهبر انقلاب در یک سخنرانی عمومی توضیحاتی بیان کردند که با آن برداشت و سخنان شما تفاوت زیادی داشت. این رویه پزشکیان در مقاطع مختلف ادامه یافت از جمله در تیرماه گذشته رئیس دولت مدعی شد: "تمامی مراحل مذاکرات در چارچوب سیاست‌های کلان نظام، با هماهنگی کامل و مستمر با رهبر معظم انقلاب و در بستر سازوکارهای قانونی کشور دنبال شد." این ادعا نیز با بیانیه معروف رهبر انقلاب موسوم به علی‌الاصول مورد تردید و تشکیک قرار گرفت. با این حال موضوعی که سبب شد تا این ادعای چندباره پزشکیان به طور کلی مورد ایراد قرار بگیرد، نوع عملکرد دولت در ماجرای تغییر دبیر شورای عالی امنیت ملی بود. با وجود اینکه از هفته‌ها قبل خبر انتصاب محسن رضایی به عنوان نماینده رهبر انقلاب در شعام مطرح بود و حتی شخص رئیس دولت نیز بصورت تلویحی استعفاي ذوالقدر را تأیید کرده بود، اما تا لحظات آخر بنای دولت بر حفظ دبیر سابق شعام بود همچنانکه یکی از رسانه‌های نزدیک به دولت سه روز پیش نوشت که پزشکیان از ذوالقدر خواسته تا با قوت به ماموریتش ادامه دهد.

انتصاب ۶ فرمانده در ستاد کل نیروهای مسلح، سپاه و بسیج



وحیدی با اعطای درجه سرلشکری عهده‌دار فرماندهی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و سردار سرلشکر پاسدار مصطفی ایزدی مسئولیت جانشینی فرماندهی کل سپاه را بر عهده گرفت.

در ادامه این احکام، مسئولیت فرماندهی نیروی دریایی سپاه به سردار دریادار پاسدار علی عظمایی و ریاست سازمان بسیج مستضعفین به حجت‌الاسلام والمسلمین حسین طائب محول شد.

حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، فرمانده معظم کل قوا، با صدور احکام جداگانه‌ای مسئولیت‌ها و مأموریت‌های شش تن از فرماندهان و مدیران عالی‌رتبه نیروهای مسلح را ابلاغ کردند.

بر اساس این احکام، سردار سرلشکر خلیان پاسدار علی عبداللهی به عنوان رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و امیر سرتیپ کیومرث حیدری به عنوان جانشین رئیس ستاد کل نیروهای مسلح تعیین شدند. همچنین سردار سرتیپ پاسدار احمد

همزمان با تدارک گسترده آمریکا برای دامن زدن به ناامنی در ایران، نقش امنیت‌زای تجمعات شبانه بیش از قبل پررنگ شد

مدافعان ایران

تجمعات شبانه مردم در سراسر کشور، علاوه بر اعلام حمایت از رهبری و نیروهای مسلح، به عاملی مهم در خنثی‌سازی تلاش دشمن برای ایجاد آشوب و ناامنی تبدیل شده است؛ نقشی که با افشای برنامه آمریکا و رژیم صهیونیستی برای مسلح‌کردن عناصر برانداز، اهمیت آن بیش از پیش آشکار شده است.

جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

اشاره و تقدیر مردان میدان و نیروهای مسلح نیز قرار گرفت و موجب شد تا سپاه و ارتش با خیالی آسوده مضاف با دشمن آمریکایی صهیونی را به مرحله پیروزی برسانند.

طی روزهای اخیر که موارد متعددی از توطئه دشمنان و مقامات آمریکایی برای مسلح کردن تروریست‌ها و براندازان ایران افشا شده،

کارکرد امنیت‌ساز تجمعات شبانه، اهمیتی دوچندان می‌یابد. از جمله روز گذشته تد کروز، سناتور نزدیک به ترامپ با بیان اینکه به جای سربازان آمریکایی، معترضان ایرانی را مسلح کنید، گفته بود: هدف باید فروپاشی رژیم ایران باشد. چیزی که از همان ابتدای این جنگ خواسته‌ام این است که ما معترضان ایرانی را مسلح کنیم. رئیس‌جمهور ترامپ قرار نیست نیروهای آمریکایی را به جنگ زمینی بفرستد. ما نباید سربازان آمریکایی را در ایران در معرض خطر قرار دهیم. این سناتور آمریکایی همچنین مدعی شده بود: اگر ما معترضان را مسلح کنیم، ایرانی‌ها می‌توانند خودشان سرنوشت آینده‌شان را تعیین کنند، به جای اینکه سربازان آمریکایی را در معرض خطر قرار دهیم. این البته اولین و تنها مورد از تصمیم و تلاش آمریکایی‌ها برای مسلح کردن براندازان ایرانی نیست. رئیس‌جمهور آمریکا فروردین ماه گذشته در مصاحبه با فاکس نیوز به تسلیح اغتشاشگران اذعان کرد. ترامپ ضمن تکرار آمارها و ادعاهای دروغین، گفت: بعد از اعتراضاتی که در آن رژیم ایران ۴۵ هزار (!) غیرنظامی را کشت، آمریکا برای معترضان اسلحه فرستاد. ما



کلی اسلحه برایشان فرستادیم، از طریق کردها فرستادیم. فکرمی کنم کردها آنها را نگه داشتند.

علاوه بر ترامپ، مایک پمپئو وزیر خارجه دولت اول ترامپ نیز به این موضوع اشاره داشت. وزیر اسبق خارجه آمریکا بهمن ماه سال گذشته در پاسخ به پرسش مجری شبکه ۱۳ رژیم صهیونیستی که به وعده رئیس‌جمهور ایالات متحده درباره «کمک به معترضان ایرانی» اشاره داشت و این ادعا را مطرح می‌کرد که این کمک‌ها هرگز به نتیجه نرسید صراحتاً گفت: «من اینگونه فکر نمی‌کنم. کمک رسید؛ کمک‌های زیادی هم رسید. ممکن است ما آن را نبینیم و از آن خبر نداشته باشیم».

به این موارد می‌توان انبوهی از مواضع و تدارکات صهیونیست‌ها و دیگر دولت‌های متخاصم برای دامن زدن به آشوب و ناامنی را افزود. جبهه گسترده‌ای که به دیوار مستحکم ملت ایران و تجمعات امنیت‌زای شبانه برخورد. این کارکرد غیرقابل انکار تجمعات شبانه در حالی است که لایه‌هایی از دولت طی ماه‌های گذشته تلاش‌های متعددی برای پایان دادن یا تضعیف این تجمعات صورت داده بود.

خبر کوتاه

توضیحات نیکزاد درباره ابلاغ شرایط اضطرار برگزاری جلسات علنی از سوی شعاع

نایب رئیس مجلس اعلام کرد: براساس ماده یک اصلاحی قانون آئین‌نامه داخلی مجلس، در حال حاضر جلسات به دلیل شرایط اضطرار به صورت مجازی برگزار می‌شود و مبنای تشخیص اضطرار هم نامه دبیر شعاع بوده است حال اینکه دبیر شعاع تغییر کرده است، باید برای جلسات هفته آینده مجلس از دبیر شعاع استفسار شود که آیا اضطرار بر قوت خود باقی است یا خیر؟! بنده خبر ندارم که دستور دبیر شعاع بوده است؛ به ما اعلام شد شورای عالی امنیت ملی نامه‌ای نوشته و شرایط اضطرار را ابلاغ کرده است که نامه هم پس از اخذ موافقت شفاهی اعضا نوشته شده است.

زاکانی: نگاه فعلی در مذاکرات شبیه همان نگاه برجانی است

شهردار تهران طی گفتگویی نسبت به روند مذاکرات اخیر گفت: در کشور نگاهی وجود دارد که از حدود ۸۰ سال پیش تاکنون به دنبال حل مشکلات از مسیر مذاکره با غرب است. وی افزود: زمین بازی به‌گونه‌ای طراحی شده که در نهایت آمریکا برنده باشد؛ حتی اگر از آمریکا نیز عبور شود، موانعی مانند حق ونوی دیگر قدرت‌ها باقی می‌ماند. زاکانی در ادامه مطرح کرد: برجام با هدف حل مشکلات از مسیر مذاکره شکل گرفت، اما منطق انقلاب اسلامی بر آزادی، استقلال و عبور از وابستگی به نظام سلطه استوار است. نگاه برجانی با چارچوب و منطق انقلاب اسلامی در تضاد قرار دارد. شهردار تهران در بخشی دیگر از سخنانش تأکید کرد: نگاه فعلی در مذاکرات نیز شبیه همان نگاه برجانی است؛ وارد زمینی می‌شویم که آمریکا طراحی کرده و شکست در آن قابل پیش‌بینی است. وی ادامه داد: سال گذشته وارد مذاکره شدیم، اما در ادامه به ما حمله شد. مسیر درست، حرکت در چارچوبی متفاوت است؛ نباید در نقشه آمریکا حرکت کنیم و باید از این مسیر فاصله بگیریم. میدان بازی را باید خودمان تنظیم کنیم، نه اینکه در زمین طراحی شده از سوی آمریکا مذاکره کنیم.

انتخابات شوراها در فصل پاییز برگزار می‌شود

نایب رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها اعلام کرد: درباره زمان برگزاری انتخابات شوراها در ابتدا پیشنهادی از سوی وزارت کشور مطرح شد که براساس آن، انتخابات ۴۵ روز پس از توقف اعلان جنگ برگزار شود.

آغاز تحقیقات از متهمان اصلی پرونده حمیدرضا رجب‌زاده

سخنگوی پلیس اعلام کرد: پس از دستگیری متهمان اصلی پرونده «حمیدرضا رجب‌زاده»، تحقیقات توسط کارآگاهان پلیس آگاهی درباره علت و چگونگی وقوع جنایت در جریان است. همچنین متهم زن پرونده که در حال فرار و خروج از کشور بود، در یکی از شهرهای شمالی دستگیر و به مقر پلیس منتقل شد. گفتنی است متهمان در تحقیقات اولیه به قتل اعتراف کرده‌اند. /فارس

تجمعات شبانه بعد از ماه صفر ادامه دارد

به دنبال برخی موضع‌گیری‌ها و برداشت‌های رسانه‌ای مبنی بر تداوم تجمعات شبانه تا پایان ماه صفر و تعطیلی آن پس از این تاریخ، روح‌الله حراویزی، قائم مقام سازمان تبلیغات در مصاحبه با شبکه افق صداوسیما گفت: ادعای تعطیلی تجمعات شبانه بعد از ماه صفر صحت ندارد. وی در همین راستا تأکید کرد: همه ساعت‌مان را با ولی‌فقیه تنظیم کنیم.

سیاست‌های اشتغال‌زایی دولت ناکام ماند



با افزایش نرخ بیکاری کل کشور به ۹.۱ درصد، نشانه‌های انقباض بازار کار و دشواری جذب جمعیت فعال بیش از پیش نمایان شده است. بازرس مجمع عالی نمایندگان کارگران می‌گوید: وقتی نرخ بیکاری کل کشور به ۹.۱ درصد می‌رسد و نسبت به سال گذشته ۱.۸ درصد افزایش می‌یابد، این نشان دهنده آن است که اقتصاد ما در جذب جمعیت فعال دچار مشکل است و این روند صعودی، فشار مضاعفی بردوش طبقه کارگر و متقاضیان کار وارد می‌کند. حمیدرضا امام‌قلی تبار افزود: بسیار نگران دهنده است که ۲۳.۴ درصد از جمعیت فعال ۱۵ تا ۲۴ ساله بیکار هستند. اینکه این شاخص نسبت به سال گذشته ۳.۷ درصد رشد کرده، یعنی ما در حال از دست دادن پتانسیل‌های انسانی در حیاتی‌ترین سن بهره‌وری هستیم. وقتی تقریباً از هر چهار جوان، یکی بیکار باشد، ما با یک بحران اجتماعی-اقتصادی روبه‌رو

هستیم که نیاز به مداخلات فوری دارد.

او با اشاره به گروه سنی ۱۸ تا ۳۵ ساله تصریح کرد: نرخ ۱۷.۵ درصدی بیکاری در این گروه سنی که نسبت به سال قبل ۳ درصد رشد کرده، نشان می‌دهد که حتی با افزایش تجربه و سن، باز هم بازار کار توان پذیرش این حجم از نیروی کار را ندارد. این وضعیت منجر به ناامیدی در میان جوانانی می‌شود که موتور محرک تولید در هر کشوری هستند. ما نباید به اعداد بسنده کنیم؛ این افزایش نرخ بیکاری در تمام سطوح، نیازمند بازنگری در سیاست‌های اشتغال‌زایی و حمایت از تولیدات ملی است تا بتوانیم مسیر ورود جوانان به بازار کار را هموار کنیم. این فعال کارگری تأکید کرد: رشد ۳.۷ درصدی بیکاری جوانان نشان می‌دهد که سیستم آموزشی ما در حال تولید نیروی کار است، اما اقتصاد تولیدی کشور توان جذب این نیروها را ندارد.

این یعنی «شکاف مهارت» یا «رکود در بخش‌های تولیدی». امام‌قلی تبار گفت: افزایش نرخ بیکاری در هر سه گروه کل، جوانان و ۱۸ تا ۳۵ سال نسبت به سال قبل، یعنی سیاست‌های اشتغالی سال گذشته شکست خورده و بازار کار در حال انقباض است. وی بیان کرد: افزایش بیکاری شهری نسبت به روستایی نشان دهنده این است که مهاجرت به شهرها دیگر منجر به اشتغال نمی‌شود و شهرها به جای مرکز فرصت‌ها، به مرکز تجمع بیکاران تبدیل شده‌اند. بازرس مجمع عالی نمایندگان کارگران با اشاره به بیکاری ساختاری زنان ادامه داد: تکرار عبارت «بیشتر بودن نرخ بیکاری زنان» در تمام گروه‌های سنی، نشان دهنده یک مشکل ساختاری است؛ یعنی مشکل تنها «کمبود شغل» نیست، بلکه «نوع شغل‌ها» یا «شرایط محیط کار» است که مانع از حضور زنان در چرخه تولید می‌شود.

جهش ۸۰ درصدی پرداخت تسهیلات بانکی در بهار نشان می‌دهد؛

پول تازه برای تولید یا اکسیرن برای بنگاه‌های گرفتار تورم؟

آمارهای تازه از عملکرد شبکه بانکی در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۵، از جهشی کم‌سابقه در پرداخت تسهیلات به بخش‌های اقتصادی خبر می‌دهد؛ جهشی که در ظاهر می‌تواند نشانه تقویت تأمین مالی کسب‌وکارها و افزایش تحرک اعتباری باشد، اما در لایه‌های عمیق‌تر، پرسش‌های جدی درباره کیفیت تخصیص منابع، سهم سرمایه در گردش، اثر تورم و میزان تبدیل این اعتبارات به سرمایه‌گذاری مولد ایجاد می‌کند.

سهمی نزدیک به ۳۵ درصد از کل تسهیلات، دومین مقصد بزرگ منابع بانکی بوده است. برآورد می‌شود که این بخش در سه ماهه نخست ۱۴۰۵ حدود ۷ هزار و ۹۰۰ هزار میلیارد ریال اعتبار جذب کرده باشد. با این حال، ارزیابی اثر این حجم از تسهیلات بر رشد اقتصادی دشوارتر است؛ زیرا عنوان خدمات طیف بسیار وسیعی از فعالیت‌ها را در بر می‌گیرد. بخشی از خدمات شامل حمل و نقل، فناوری اطلاعات، خدمات فنی و مهندسی، گردشگری، درمان، آموزش، تعمیر و نگهداری، لجستیک و خدمات پشتیبان تولید است که می‌تواند مولد و اشتغال‌زا باشد. اما بخش دیگری از خدمات به فعالیت‌های واسطه‌گری، معاملات غیرمولد، خدمات مالی کم‌اثر بر تولید یا تجارت صرف مربوط می‌شود. بنابراین، سهم بالای خدمات از تسهیلات تنها زمانی به رشد پایدار کمک می‌کند که منابع به سمت فعالیت‌های دارای ارزش افزوده و پیوند با تولید هدایت شود.

بخش بازرگانی با وجود آنکه کمتر از ۱۵ درصد کل تسهیلات را دریافت کرده، رشد ۱۱۳.۳ درصدی را تجربه کرده است؛ یعنی بالاترین نرخ رشد در میان بخش‌های اقتصادی. این رشد می‌تواند دو تفسیر متفاوت داشته باشد. تفسیر نخست آن است که بنگاه‌های تجاری برای واردات مواد اولیه، تأمین کالاهای واسطه‌ای، تکمیل زنجیره توزیع، صادرات و گردش تجارت داخلی به منابع بیشتری نیاز پیدا کرده‌اند. اما تفسیر دوم این است که بخشی از منابع به فعالیت‌هایی سوق یافته که از تورم، نوسانات ارزی و احتکاک‌های سودی می‌برند. در چنین حالتی، رشد وام‌دهی به بازرگانی به جای تقویت تولید، می‌تواند فشار بر قیمت‌ها را افزایش دهد.

مسکن و ساختمان نیز پس از آنکه در سال ۱۴۰۴ رشد منفی تسهیلات را ثبت کرده بود، در بهار ۱۴۰۵ با رشد ۴۹.۸ درصدی به محدوده مثبت بازگشته است. با وجود این، سهم این بخش از کل تسهیلات کمتر از ۳ درصد گزارش شده که رقم پایینی محسوب می‌شود. پایین بودن سهم آن از منابع بانکی نشان می‌دهد که شبکه بانکی نقش محدودی در تأمین مالی مسکن و ساخت‌وساز دارد.

معیار اصلی موفقیت شبکه بانکی حجم وام پرداختی نیست؛ معیار این است که چه تعداد واحد تولیدی توانسته‌اند تولید خود را افزایش دهند، چه میزان ظرفیت صنعتی جدید ایجاد شده، چه مقدار صادرات رشد کرده، چند طرح نیمه‌تمام به بهره‌برداری رسیده و چه سهمی از اعتبارات به جای پوشش تورم و بدهی، به خلق ارزش افزوده واقعی تبدیل شده است. بدون انتشار جزئیات مصرف تسهیلات، رشد اعتباری ۸۰ درصدی می‌تواند هم نوید دهنده یک فرصت باشد و هم هشدار درباره هزینه سنگین زنده ماندن بنگاه‌ها در اقتصاد تورمی.

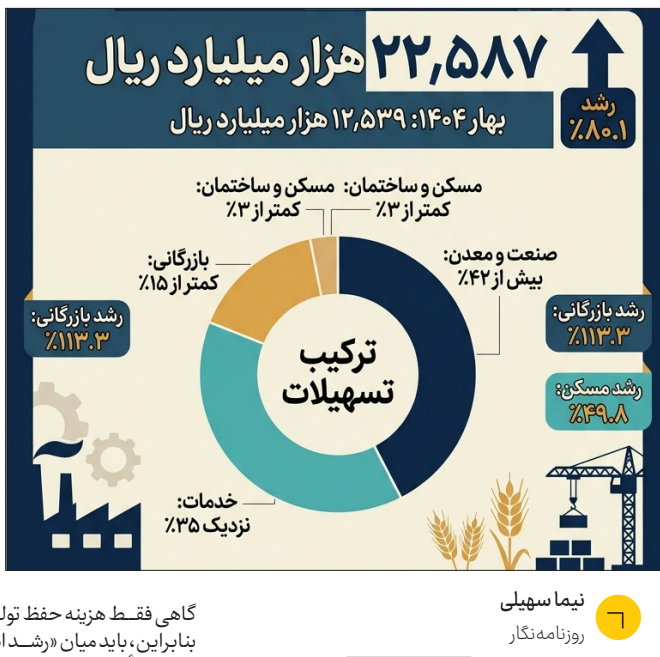
۱۶۰ میلیارد ریال نیاز داشته باشد. در چنین وضعی، دریافت وام بیشتر الزاماً به معنای افزایش تولید نیست؛

گاهی فقط هزینه حفظ تولید پیشین را تأمین می‌کند. بنابراین، باید میان «رشد اسمی اعتبار» و «رشد واقعی قدرت تأمین مالی» تمایز گذاشت. اگر نرخ تورم در محدوده ۴۰ درصد باشد، رشد واقعی تسهیلات ۸۰.۱ درصدی حدود ۲۸.۶ درصد برآورد می‌شود. در صورت تورم ۵۰ درصدی، این رشد واقعی به حدود ۲۰ درصد کاهش می‌یابد و با تورم ۶۰ درصدی، رشد واقعی قدرت اعتباری شبکه بانکی به نزدیک ۱۲.۶ درصد محدود می‌شود.

این محاسبات نشان می‌دهد که جهش ۸۰ درصدی تسهیلات، هرچند مهم است، اما نباید بدون تعدیل تورمی به عنوان جهش هم‌سنگ در قدرت تولید تلقی شود. اقتصاد ایران با افزایش قیمت مواد اولیه، نوسان ارزی، رشد هزینه حمل و نقل، فشار هزینه انرژی، افزایش دستمزد و دشواری تأمین قطعات رویه‌روست. از این رو، بخش مهمی از تقاضای وام در بنگاه‌ها از جنس «نیاز به بقا» است، نه الزاماً «نیاز به توسعه».

صنعت و خدمات؛ مقصد سه چهارم منابع بانکی

ترکیب تسهیلات پرداختی نکات مهمی را در خود دارد. بخش صنعت و معدن در سال ۱۴۰۵ بیش از ۴۲ درصد کل تسهیلات را جذب کرده است؛ سهمی که در سال ۱۳۹۵ حدود ۳۰ درصد بود. این تغییر نشان می‌دهد وزن صنعت و معدن در سبد اعتباری شبکه بانکی در یک دهه اخیر افزایش یافته است. اگر سهم بیش از ۴۲ درصدی صنعت و معدن را بر کل تسهیلات بهار ۱۴۰۵ اعمال کنیم، این بخش رقمی نزدیک به ۹ هزار و ۵۰۰ هزار میلیارد ریال اعتبار دریافت کرده است. افزایش سهم صنعت و معدن نیز به خودی خود اثبات‌کننده هدایت منابع به سرمایه‌گذاری مولد نیست. بخش بزرگی از واحدهای صنعتی با محدودیت نقدینگی روبه‌رو هستند و تسهیلات بانکی را برای سرمایه‌در گردش دریافت می‌کنند. این منابع ممکن است برای خرید مواد اولیه، پرداخت بدهی به تأمین‌کنندگان، پوشش افزایش هزینه‌های تولید یا تمدید تعهدات قبلی استفاده شود. در چنین شرایطی، وام می‌تواند به حفظ سطح اشتغال و جلوگیری از تعطیلی بنگاه کمک کند، اما اثر آن بر رشد بلندمدت و افزایش بهره‌وری محدود خواهد بود. تفاوت اصلی در این است که تسهیلات سرمایه‌در گردش، تولید موجود را حفظ می‌کند؛ اما تسهیلات سرمایه‌گذاری ثابت، ظرفیت تولید آینده را افزایش می‌دهد. بخش خدمات نیز با



بر اساس آمارهای بانک مرکزی، حجم تسهیلات پرداختی شبکه بانکی در بهار ۱۴۰۵ به بیش از ۲۲ هزار و ۵۸۷ هزار میلیارد ریال رسیده است؛ رقمی که در مدت مشابه سال ۱۴۰۴ حدود ۱۲ هزار و ۵۳۹ هزار میلیارد ریال بود. به این ترتیب، پرداخت تسهیلات در یک سال حدود ۱۰ هزار و ۴۸ هزار میلیارد ریال افزایش یافته و نرخ رشد آن به ۸۰.۱ درصد رسیده است. این رشد از منظر آماری قابل توجه است. در پنج سال گذشته، رشد تسهیلات پرداختی عمدتاً در دامنه ۲۱ تا ۳۲ درصد قرار داشت و از این منظر، ثبت رشد ۸۰.۱ درصدی در بهار ۱۴۰۵ به معنای عبور پرشتاب شبکه بانکی از روند متعارف سال‌های اخیر است. این نرخ رشد در یک دهه گذشته نیز دومین رشد بزرگ محسوب می‌شود؛ چرا که نهاد در سال ۱۴۰۰ نرخ رشد تسهیلات از آن بالاتر رفت و به ۱۰۹.۶ درصد رسید. با این همه، در سال ۱۴۰۰ افزایش پرداخت‌ها عمدتاً در بخش‌های خدمات و صنعت و معدن متمرکز بود، اما در بهار امسال تقریباً تمام بخش‌های اقتصادی رشد دریافت تسهیلات را تجربه کرده‌اند.

رشد اسمی؛ واقعیت تولید کجاست؟

در نگاه اول، فراگیر شدن رشد تسهیلات در صنعت، معدن، کشاورزی، خدمات، بازرگانی و مسکن می‌تواند علامتی از افزایش فعالیت اقتصادی باشد. بنگاه‌ها برای خرید مواد اولیه، پرداخت حقوق، تأمین قطعات، توسعه تولید، سرمایه‌گذاری جدید و بازسازی ظرفیت‌های فرسوده به منابع مالی نیاز دارند و در شرایطی که هزینه‌های تولید دائماً افزایش می‌یابد، دسترسی به اعتبار می‌تواند از توقف خطوط تولید جلوگیری کند. سؤال اساسی آن است که چه میزان از این ۲۲ هزار و ۵۸۷ هزار میلیارد ریال به ماشین‌آلات، توسعه ظرفیت، طرح‌های نیمه‌تمام و تولید صادرات محور رسیده و چه مقدار صرف تأمین هزینه‌های جاری، تسویه بدهی‌های گذشته، تمدید تسهیلات یا پوشش زبان انباشته شده است. در شرایط تورمی، رشد اسمی تسهیلات معمولاً تصویری بزرگ‌تر از واقعیت نشان می‌دهد. بنگاهی که سال گذشته برای خرید مواد اولیه، پرداخت دستمزد و تأمین انرژی به ۱۰۰ میلیارد ریال سرمایه‌در گردش نیاز داشت، ممکن است امسال برای حفظ همان سطح تولید به ۱۵۰ یا حتی

نبل اقتصاد

گرانی لبنیات در بازاری بدون ناظر

بازار لبنیات با موج تازه‌ای از افزایش قیمت روبه‌رو شده است؛ موجی که حتی اقلام محدود مشمول قیمت‌گذاری مصوب را نیز دربر گرفته و فاصله میان نرخ‌های رسمی و توان خرید خانوارها را بیشتر کرده است. در عین حال، بخش بزرگی از محصولات لبنی خارج از قیمت‌گذاری مستقیم قرار دارد و قیمت بسیاری از آنها حتی در سامانه ۱۲۴ سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ثبت نشده است. نتیجه، بازاری است که مصرف‌کننده در آن با قیمت‌های متنوع مواجه می‌شود، اما مرجع شفاف‌ی برای سنجش قیمت واقعی در اختیار ندارد. کارگروه امنیت غذایی و تنظیم بازار کالاهای کشاورزی در نیمه خرداد ۱۴۰۵، قیمت چهار قلم لبنی پرمصرف را تعیین و ابلاغ کرد. براساس این مصوبه، هر بسته شیر نایلونی کم چرب ۹۰۰ گرمی ۸۴ هزار تومان، شیر بطری کم چرب یک لیتری ۹۸ هزار تومان، پنیر یو.اف ۴۰۰ گرمی نسبتاً چرب ۲۰۳ هزار تومان و ماست دبه‌ای کم چرب دو کیلوگرمی ۲۳۸ هزار تومان قیمت‌گذاری شد. اما کمتر از دو ماه بعد، در اول مرداد، نرخ سه محصول بار دیگر افزایش یافت؛ البته این بار افزایش قیمت در قالب تغییر درصد چربی محصولات ظاهر شد.

شیر بطری یک لیتری به ۲۰۵ درصد چربی به ۱۲۰ هزار تومان رسید، شیر نایلونی ۹۰۰ گرمی با همین درصد چربی ۹۱ هزار تومان قیمت‌گذاری شد و نرخ ماست دبه‌ای دو کیلوگرمی با ۲۰۵ درصد چربی نیز به ۲۶۵ هزار تومان افزایش یافت. تغییر درصد چربی، در عمل به مسیری برای عرضه محصولات مشابه با قیمت‌های بالاتر تبدیل شده است؛ روشی که پیش‌تر نیز با افزایش چربی، افزایش ماندگاری، تولید محصولات ESL یا افزودن ویتامین D به کار گرفته شده بود. مسئله مهم‌تر آن است که حتی نرخ‌های مصوب نیز برای بخشی از خانوارها سنگین است. لبنیات کالایی ضروری در سبد غذایی محسوب می‌شود، اما تداوم گرانی، خرید آن را برای بسیاری از مردم از یک نیاز غذایی به انتخابی وابسته به دخل و خرج تبدیل کرده است.

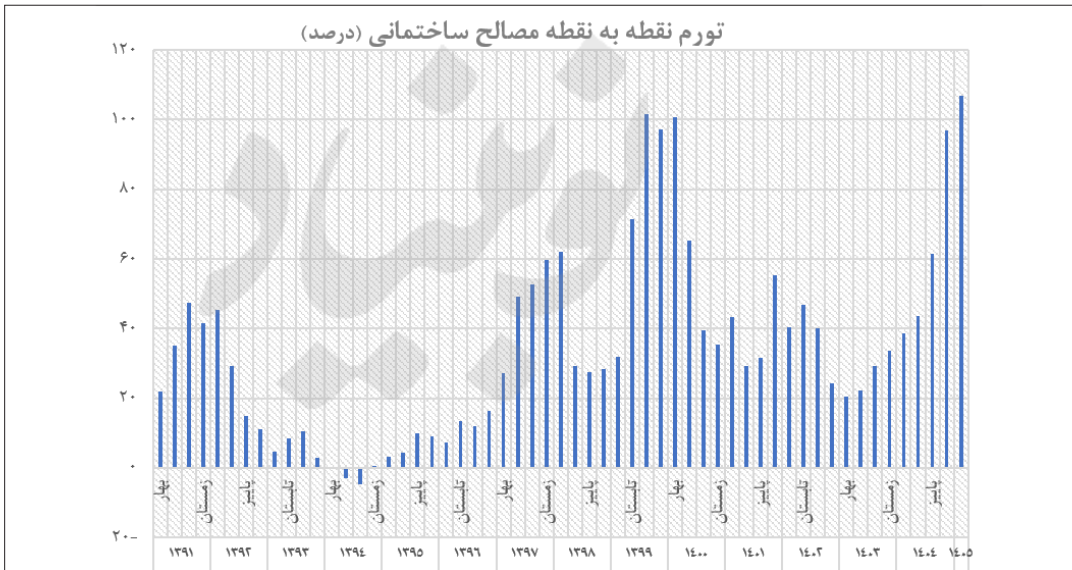
گرانی لبنیات در شرایطی اتفاق می‌افتد که سرانه مصرف شیر در ایران نیز پایین است. براساس آمار سازمان جهانی غذا و کشاورزی (فاو)، سرانه مصرف شیر در ایران حدود ۶۶ کیلوگرم در سال است؛ رقمی کمتر از نصف میانگین جهانی و حدود یک چهارم سرانه مصرف کشورهای اروپایی. در برخی از این کشورها، مصرف سالانه شیر به ۳۰۰ کیلوگرم می‌رسد. بنابراین، افزایش قیمت می‌تواند فاصله مصرف ایران با این کشورها را بیشتر کند. در همین حال، محمد فرید، سخنگوی انجمن صنایع لبنی، اعلام کرد که آمار و اطلاعاتی درباره سهم محصولات تنظیم بازاری در سبد تولیدات لبنی کشور وجود ندارد. این خلا آماری، میزان واقعی تولید و عرضه محصولات را که تحت قیمت‌گذاری مستقیم قرار دارند، نامشخص می‌کند.

با ثبت بالاترین تورم مصالح ساختمانی در دولت چهاردهم؛

هزینه ساخت مسکن دو برابر شد

گزارش مرکز آمار ایران از شاخص و متوسط قیمت نهاده‌های ساختمانی شهر تهران در بهار ۱۴۰۵، تصویری نگران‌کننده از هزینه‌های تولید مسکن ارائه می‌دهد. شاخص قیمت نهاده‌های ساختمان‌های مسکونی شهر تهران در این فصل به ۳۳۶.۴ رسید؛ رقمی که نسبت به زمستان ۱۴۰۴

افزایش ۲۰.۷ درصدی را نشان می‌دهد. هرچند این رقم در مقایسه با تورم فصلی ۳۶ درصدی زمستان، از کاهش سرعت رشد قیمت‌ها حکایت دارد، اما وقتی بازه زمانی یک‌ساله بررسی می‌شود، شدت افزایش قیمت‌ها آشکارتر می‌شود.



بین الملل

انصارالله: آنچه در انتظار عربستان است فراتر از تصور خواهد بود

«انصارالدین عامر» عضو ارشد جنبش انصارالله یمن، با تأکید بر تداوم رویکرد مقاومت در برابر تجاوزات و تهدیدهای خارجی، تصریح کرد: «آنچه در انتظار عربستان سعودی و نیروها و عوامل وابسته به آن است، چیزی فراتر از تصور خواهد بود.» این اظهارات در حالی مطرح می‌شود که تنش‌ها در جبهه یمن بار دیگر وارد مرحله‌ای جدی شده و صنعا نشان داده است که حملات و فشارهای نظامی علیه این کشور را بدون پاسخ باقی نخواهد گذاشت.

عامر همچنین با اشاره به آینده سیاسی و اجتماعی یمن، تأکید کرد که سرنوشت این کشور باید به دست مردم یمن رقم بخورد و آینده یمن در گرو آزادی، استقلال، رفاه و شکوفایی است. وی بر ادامه مسیر مقاومت و جهاد تأکید کرد و پیام خود را به عنوان هشدار روشن به عربستان و نیروهای همسو با آن مطرح کرد.

این مواضع در شرایطی بیان می‌شود که ارتش یمن طی ساعات گذشته در پاسخ به تحرکات و اقدامات نظامی طرف مقابل، مواضع نظامیان سعودی و مراکز تسلیحاتی آنها را با حملات گسترده موشکی و پهپادی هدف قرار داد.



اعتراف رسانه آمریکایی به شکست فشار نظامی علیه تهران

ایران آماده برای یک جنگ طولانی

گزارش «ریسپانسیبل استیت کرفت» تصویری متفاوت از آنچه واشنگتن درباره جنگ با ایران روایت می‌کند ارائه می‌دهد. فشار حداکثری و حملات نظامی نه تنها جمهوری اسلامی ایران را به تسلیم وادار نکرده، بلکه محاسبات گذشته ایران را تغییر داده است. اکنون تنگه هرمز به اهرمی راهبردی برای افزایش هزینه‌های آمریکا تبدیل شده و تهران می‌کوشد ابتکار عمل را از دست واشنگتن به طور کامل خارج کند. راهبردی که می‌تواند جنگ را به باتلاقی فرسایشی برای آمریکا تبدیل و آن را مجبور به عقب نشینی کند.

فرصتی برای آمریکا برای بازسازی توان دفاعی، اصلاح اهداف نظامی و آماده شدن برای دور جدید جنگ باشد. بنابراین، از نگاه تهران، صبر کردن و واگذاری ابتکار عمل به واشنگتن دیگر گزینه مطلوبی نیست.

ایران به همین دلیل تلاش می‌کند با حملات محدود، فشار بر نیروها و سامانه‌های دفاعی آمریکا، پراکنده کردن نیروهای این کشور و افزایش هزینه‌های عملیاتی، معادله را تغییر دهد.

این وضعیت برای دولت ترامپ یک دوراهی جدی ایجاد کرده است. ادامه حملات ممکن است زیرساخت‌های بیشتری را در ایران تخریب کند، اما شواهد موجود نشان می‌دهد که صرف فشار نظامی الزاماً به تسلیم سیاسی منجر نمی‌شود. از سوی دیگر، هرچه جنگ طولانی‌تر شود، هزینه‌های آمریکا افزایش می‌یابد و محبوبیت داخلی نیز تحت فشار قرار می‌گیرد.

با این حال، واقعیت راهبردی آن است که جنگی که قرار بود ایران را وادار به عقب نشینی کند، اکنون آمریکا را با مسئله‌ای پیچیده تر روبرو کرده است. اینکه آمریکا چگونه از جنگ خارج شود، بدون آنکه شکست خود را بپذیرد؟

حتی پیشنهاد پرداخت هزینه برای عبور از هرمز، ممکن است برای واشنگتن از ادامه جنگ کم هزینه‌تر باشد. این همان تناقض تلخ سیاستی است که با هدف کاهش قدرت ایران آغاز شد، اما در نهایت تنگه هرمز را به یکی از مهم‌ترین کارت‌های فشار تهران تبدیل کرد.

هزینه‌های آمریکا بدون عبور فوری از آستانه جنگ تمام عیار. مهم‌ترین برگ ایران در این معادله، تنگه هرمز است؛ شاهراهی که واشنگتن در تلاش نظامی خود برای بازگرداندن تنگه هرمز به وضعیت پیش از جنگ شکست خورده و احتمالاً تلاش‌های بعدی نیز به نتیجه نخواهد رسید. نکته مهم تر آنکه

ایران دیگر حاضر نیست به وضعیت سابق بازگردد. به بیان دیگر، جنگی که قرار بود قدرت ایران را مهار کند، یک اهرم ژئوپلیتیکی تازه در اختیار تهران قرار داده است.

حتی موضوع دریافت عوارض عبور از تنگه نیز اکنون در محاسبات مطرح شده است. براساس گزارش مورد اشاره، ایران ممکن است خواهان دریافت حدود ۷ درصد ارزش محموله کشتی‌ها شود. موضوعی که برای واشنگتن بسیار سنگین است، زیرا پذیرش آن عملاً به معنای اذعان به نقش تعیین کننده ایران در امنیت و تردد این آبراه خواهد بود.

عامل مهم دیگر، شکست تفاهم نامه ژوئن است. در جریان این توافق، بمباران متوقف و محاصره برداشته شد، اما وعده‌های اقتصادی آمریکا به طور کامل عملی نشد. ایران حدود ۶ میلیارد دلار نفت صادر کرد، اما از ۱۲ میلیارد دلار دارایی خارجی که انتظار دریافت آن را داشت، بهره مند نشد.

این تجربه در تهران این برداشت را تقویت کرد که توقف حملات ممکن است صرفاً

Why The Trump Administration Will Have To Accept A Hormuz Toll

احسان میرباقری
روزنامه نگار

گزارش منتشر شده تصویری قابل تأمل از وضعیت جنگ ایران و آمریکا ارائه می‌کنند. تصویری که با ادعاهای پیروزی و وادار شدن تهران به عقب نشینی فاصله زیادی دارد. حملات گسترده آمریکا و اسرائیل بیش از ۲۳ هزار حمله را شامل شده و بخش‌هایی از زیرساخت‌های انرژی، صنعتی، حمل و نقل و غیرنظامی ایران را به شدت آسیب زده است. با این حال، نتیجه سیاسی مورد انتظار واشنگتن یعنی تسلیم ایران یا تغییر محاسبات راهبردی تهران محقق نشده است.

در مقابل، ایران به این جمع بندی رسیده که تحریم، مذاکره، آتش بس موقت و حمله نظامی، در نهایت اجزای یک راهبرد واحد برای فشار بر جمهوری اسلامی هستند. از همین رو، محاسبات تهران نیز تغییر کرده و به جای انتظار برای تصمیم واشنگتن درباره آغاز یا پایان جنگ، سیاستی تحت عنوان مواجهه کنترل شده رادر پیش گرفته است. یعنی افزایش

ابتکار عمل در دست ایران

تجربه مذاکرات در زمان آتش بس در تهران این برداشت را تقویت کرد که توقف حملات ممکن است صرفاً فرصتی برای آمریکا برای بازسازی توان دفاعی، اصلاح اهداف نظامی و آماده شدن برای دور جدید جنگ باشد. بنابراین، از نگاه تهران، صبر کردن و واگذاری ابتکار عمل به واشنگتن دیگر گزینه مطلوبی نیست.

یادداشت

سلاح لبنان و آزمون استاندارد دوگانه غرب

فاطمه احمدی شاد
روزنامه نگار

سال هاست بخش بزرگی از رسانه‌های غربی، ایران را به دلیل حمایت سیاسی، مالی و نظامی از حزب‌الله «دخالت در امور داخلی لبنان» متهم می‌کنند اما در مناقشه بر سر خلع سلاح حزب‌الله یک تناقض بنیادین آشکار می‌شود: همان دولت‌هایی که نفوذ ایران در لبنان را مصداق دخالت خارجی می‌دانند، خود برای تغییر یکی از حساس‌ترین مؤلفه‌های ساختار امنیتی این کشور، یعنی مالکیت و کنترل سلاح، فشار سیاسی و امنیتی وارد می‌کنند.

مسئله خلع سلاح حزب‌الله پرسشی بنیادین درباره ساختار قدرت در لبنان بازمی‌گردد: چه نهادی حق نگهداری سلاح، اعمال قدرت نظامی و تصمیم‌گیری درباره جنگ و صلح را دارد؟ با این حال، پیش از آنکه واشنگتن و تل‌آویو این مسئله را به یکی از محورهای اصلی سیاست خود تبدیل کنند، شماری از کشورهای منطقه نیز مواضع خود را درباره آن روشن کرده بودند.

عربستان سعودی سال هاست بر حاکمیت دولت لبنان و «انحصار سلاح در دست دولت» تأکید دارد و در تلاش‌های دیپلماتیک برای پیشبرد خلع سلاح حزب‌الله مشارکت کرده است. امارات متحده عربی موضعی صریح‌تر داشته و از تحویل سلاح حزب‌الله دولت لبنان حمایت کرده است. اردن نیز از محدود شدن سلاح به نیروهای رسمی پشتیبانی کرده است. مصر در چارچوب حمایت از حاکمیت لبنان و تقویت نهاد های دولتی، با اصل انحصار ابزار نظامی در اختیار دولت همراه است. ترکیه نیز، اگرچه ادبیاتش با واشنگتن و تل‌آویو متفاوت است، بر تقویت ارتش لبنان و نهاد های رسمی تأکید کرده؛ رویکردی که در عمل با انتقال مسئولیت امنیتی از بازیگران غیردولتی به دولت هم جهت است. قطر نیز از چارچوب‌هایی حمایت کرده که بر حاکمیت دولت لبنان و خلع سلاح گروه‌های مسلح غیردولتی تأکید دارند. در اروپا نیز فرانسه، بریتانیا، آلمان، ایتالیا و کانادا از تلاش دولت لبنان برای خلع سلاح حزب‌الله حمایت کرده‌اند.

بنابراین پرسش فقط این نیست که «ایران در لبنان چه می‌کند؟» پرسش مهم‌تر این است که چرا حمایت خارجی از یک بازیگر لبنانی «دخالت» نامیده می‌شود، اما فشار خارجی برای تغییر ساختار امنیتی همان کشور اغلب «حمایت از حاکمیت لبنان» خوانده می‌شود؟ این دوگانه به نحوه تعریف مشروعیت، حاکمیت و نفوذ خارجی در لبنان بازمی‌گردد.

تفاوت میان دو رویکرد واقعی است: ایران از حفظ توان نظامی حزب‌الله عنوان بخشی از بازدارندگی در برابر اسرائیل دفاع می‌کند، در حالی که آمریکا، اسرائیل، شماری از دولت‌های عرب و بخش بزرگی از اروپا خواهان انتقال انحصار قدرت نظامی به دولت لبنان هستند. اما هر دو رویکرد، فارغ از تفاوت در اهداف و ابزارها، بر یک مسئله داخلی واحد اثر می‌گذارند: چه کسی در لبنان حق داشتن سلاح و اعمال قدرت نظامی را دارد؟

یادداشت

چاه پاکستان برای میانجیگری خشک است

امیرشهنهانی
روزنامه‌نگار

سخنگوی وزارت امور خارجه روز دوشنبه ۱۹ مرداد از دعوت پاکستان از قالیباف و عراقچی برای سفر به اسلام‌آباد خبر داده و گفته این سفر «در زمان مناسب» انجام خواهد شد. اما سؤال اینجاست که این «زمان مناسب» قرار است برای تکرار کدام تجربه تلخ فرا برسد؟ وقتی نتیجه یک مسیر قبلاً پیش چشم همه قرار گرفته، اصرار بر بازگشت به همان مسیر دیگر صرفاً یک انتخاب دیپلماتیک نیست؛ مسئله‌ای است که باید درباره منطق و پشتوانه آن توضیح داده شود. یکی از عجیب‌ترین و البته اساسی‌ترین ابهامات در سیاست خارجی ایران طی چند دهه گذشته، به ویژه سال‌های اخیر، همین ناتوانی در درس گرفتن از تجربه‌هاست. در سیاست خارجی ممکن است یک بار محاسبه‌ای اشتباه از آب دربیاید؛ ممکن است یک میانجیگری شکست بخورد؛ ممکن است یک توافق یا تفاهم به نتیجه مطلوب نرسد. اما وقتی همان الگو دوباره و دوباره تکرار می‌شود، دیگر نمی‌توان همه چیز را پای «خطای محاسباتی» نوشت. خطا وقتی تکرار می‌شود، تبدیل به رویه می‌شود.

حالا باید از وزارت خارجه و دیگر مذاکره کنندگان ارشد تر پرسید: چرا پاکستان؟ قالیباف و عراقچی قرار است در اسلام‌آباد دقیقاً چه چیزی را حل کنند؟ قرار است یک تفاهم جدید شکل بگیرد؟ سرنوشت تفاهم قبلی چه شد؟ آن تفاهمی که قرار بود بخشی از مسیر مدیریت بحران باشد، سرانجام بدون هیچ دستاوردی در زباله‌دان تجربه‌های دیپلماتیک افتاد و پس از آن، کشور با شهادت ده‌ها نفر، تخریب ده‌ها پل و مسیر و تشدید فشارها مواجه شد. در همان حال، جبهه لبنان نیز همچنان زیر حملات قرار دارد.

مشکل دقیقاً همین جاست. بارها در زمان تفاهم اسلام‌آباد بسیاری از متخصصین روابط بین‌الملل یکی از مهم‌ترین ایرادات این روند مذاکراتی را حد و اندازه پایین پاکستان و لزوم انتخاب میانجی‌گری مهم‌تر که خود بخشی از تضمین بین‌المللی باشد همچون چین می‌دانستند. پاکستان نه در حد و اندازه یک میانجی‌گر بین‌المللی است، نه ابزار و اراده لازم برای ایفای نقش یک تضمین‌کننده معتبر را دارد و نه اساساً نمی‌توان آن را بازیگری بی‌طرف در معادله ایران و آمریکا دانست.

بدتر از همه اینکه این بار دیگر نمی‌توان ادعا کرد «تجربه‌ای در دست نبود». تجربه هست؛ نتیجه هم روشن است. اگر تفاهم قبلی به شکست انجامیده و هزینه‌های سنگینی پس از آن بر کشور تحمیل شده، تکرار همان نسخه بدون توضیح درباره اینکه چه چیزی تغییر کرده، یعنی دستگاه دیپلماسی یا از تجربه درس نگرفته یا اساساً آن را تجربه را شکست‌خورده نمی‌داند که دقیقاً اظهارات ساده‌اندیشانه پزشک‌پان و عراقچی در خصوص تفاهم ۱۴ بندی اسلام‌آباد ظن دوم را تقویت میکند.

از یک تماس
تلفنی تا یک
مطالبه ملی

تماس با واشنگتن
فی‌نفسه جرم یا
تخلف نیست؛ وزیر
خارجه برای ارتباط
دیپلماتیک منصوب
شده است. اما در
شرایط جنگی و به
خصوص پس از
تجربه تاریک تفاهم
اسلام‌آباد، «اجازه
تماس و ضابطه و
سازوکار آن» اهمیت
حیاتی دارد. اگر این
اجازه به وزیر خارجه
داده شده باید شفاف
باشد؛ اگر ارتباطات
شخصی، نرم‌افزارهای
خارجی یا کانال‌های
خارج از نظارت به
کار رفته و ظن اقدام
خلاف قاعده عراقچی
در انتخاب «موقعیت
زمانی تماس از
منظر سیاسی» به
ذهن متبادر شود،
نهادهای مسئول باید
توضیح بخواهند.
چرا که بحث سیاست
جناحی نیست؛ پای
امنیت ملی و منافع
ایران در میان است.

عراقچی باید درباره «ارتباطات خارج از قاعده» پاسخ بدهد

پشت خط آمریکا

اظهارات اخیر مسعود پزشکیان درباره تماس‌های نیمه‌شب عراقچی با طرف آمریکایی، ناخواسته پرسشی جدی را روی میز گذاشته است: این تماس‌ها دقیقاً با اجازه چه کسی، از چه کانالی، با چه سطحی از نظارت و درباره چه موضوعاتی

محسن فرهمند
روزنامه‌نگار

که رفتار و مواضع عراقچی در ماه‌های اخیر، بارها از چارچوب یک دیپلماسی دقیق و حساب‌شده فاصله گرفته است. توثیق‌های نابجا، مواضع متناقض، پیام‌هایی که در حساس‌ترین ساعات منتشر شده‌اند و اظهاراتی که گاهی درست در زمانی مطرح شده‌اند که بازارهای جهانی در حال قیمت‌گذاری ریسک جنگ بوده‌اند، همگی این پرسش را ایجاد کرده‌اند که آیا دستگاه دیپلماسی کشور واقعاً در حال مدیریت جنگ روانی و اقتصادی علیه ایران است یا بعضاً ناخواسته به آن کمک می‌کند؟

نمونه مهم، بازار نفت است. وقتی همزمان با حملات سنگین انصا^۱لیمین که به اذعان رسانه‌های غربی بخش مهمی از توان صادراتی عربستان سعودی را هدف قرار داده است، درست در همین زمان آمریکایی‌ها مدعی ارتباط با مقام ایرانی و قریب‌الوقوع بودن توافق می‌شوند یا مقامات ایرانی از مذاکرات برسر‌تنگه هرمز سخن می‌گویند، طبیعی است بازار واکنش متفاوتی نسبت به یک وضعیت کاملاً بحرانی نشان دهد.

این همان نقطه‌ای است که نگرانی‌های اولیه درباره عراقچی دوباره خود را نشان

مسعود پزشکیان به تازگی گفته است «وزیر امور خارجه تا دو سه نصف شب تلفن می‌کند و جواب تلفن می‌دهد و به دلیل اختلاف ساعت، شب‌ها نیز درگیر تماس و رایزنی است» به نظر می‌رسد این تماس‌ها اشاره به تماس با مقامات آمریکایی دارد که اختلاف ساعت بالایی با تهران دارد. به همین دلیل یک مطالبه روشن را پیش روی نهادهای نظارتی قرار داده است: در حالی که گفته می‌شود هیچ مذاکره‌ای با آمریکایی‌ها نداریم تماس‌های عراقچی با طرف آمریکایی دقیقاً با چه سازوکار و چه هماهنگی‌هایی انجام می‌شود؟

علاوه بر این کانال خبری «آرمان امروز» در این ارتباط نوشته است: «یک منبع آگاه در واکنش به افشای رسمی ارتباط موبایلی عراقچی با مقامات آمریکایی از سوی پزشک‌پان اطلاع داده است عراقچی پیش از این درباره ارتباطات شخصی از طریق نرم‌افزارهای خارجی با طرف آمریکایی تذکر گرفته است.» این موضوع زمانی حساس ترمی‌شود

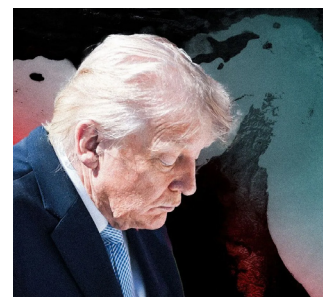
سیاست خارجی

نیویورک تایمز: تنگه هرمز شمشیر داموکلس ایران بر فراز سر ترامپ است

مطالبات ایران برای بازگشایی تنگه هرمز، آن‌گونه که در بیانیه روز شنبه مطرح شد، تا حد زیادی همان اقداماتی است که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، پیش‌تر در قالب تفاهم‌نامه‌ای که در ۱۷ ژوئن امضا شد و خیلی زود از هم فروپاشید، با آن‌ها موافقت کرده بود. اما ایران کنترل بر تنگه هرمز را بهترین فرصت خود برای وادار کردن ترامپ به اجرای آن وعده‌ها می‌داند و هنوز حاضر نیست این اهرم را واگذار کند.

به گزارش انتخاب، در ادامه این مطلب آمده: به گفته تحلیلگران، برای ایران، محروم کردن ترامپ از امکان اعلام پیروزی درباره تنگه هرمز، کارآمدترین اهرم برای متقاعد کردن او به بازگشت به تعهدات آن توافق و اجرای آن‌هاست. بازنگه داشتن تنگه در وضعیت عمدتاً بسته، قیمت انرژی را بالا نگه می‌دارد و همچنین راهی است برای اطمینان از اینکه کشورهای حاشیه خلیج فارس - که برای صادرات خود به این تنگه وابسته‌اند - واشنگتن را نیز به

بازگشت به تفاهم‌نامه ترغیب خواهند کرد. در این ارتباط علی واعظ، مدیر پروژه ایران در «گروه بین‌المللی بحران» در گفت‌وگو با نیویورک تایمز تنگه هرمز را به «شمشیر داموکلس بر فراز سر ترامپ» تشبیه کرد. واعظ گفت: «ایران می‌خواهد منافع و امتیازات را از قبل دریافت کند، بدون آنکه اهرم اصلی خود، یعنی هرمز، را واگذار کند.»



یادداشت

راه رستگاری از خیابان «عطاران» نمی‌گذرد

مسعود حنیفی
منتقد سینما

رئیس مرکز سیمافیلم در تازه‌ترین اظهارنظر خود پیرامون همکاری دوباره رضا عطاران با تلویزیون، از تلاش برای بازگرداندن این هنرمند به آنتن خبر داده و گفته است یک دوست مشترک در جریان این گفت‌وگوها نقش میانجی ایفا می‌کند؛ تعاملی که امید می‌رود نتیجه‌ای مطلوب برای هر دو طرف داشته باشد. عطاران نزدیک به هجده سال از تلویزیون فاصله گرفته و به نظری رسد این بار احتمال بازگشتش بیش از هر زمان دیگری به واقعیت نزدیک است. حالا سؤال اصلی اینجاست: چرا مدیران تلویزیون این‌قدر اصرار به همکاری با عطاران دارند؟ پاسخ روشن است.

عطاران برای مدیران سیما یک «برگ برنده» محسوب می‌شود؛ هنرمندی که نامش به تنهایی تضمین‌کننده مخاطب است و هر پروژه‌ای با حضور او، پیش از پخش، خبرساز می‌شود. در شرایطی که تلویزیون با رقبای سرسختی چون پلتفرم‌های نمایش خانگی و شبکه‌های اجتماعی دست و پنجه نرم می‌کند، مدیران به چهره‌هایی نیاز دارند که مخاطب فراری را دوباره پای گیرنده بنشانند.

عطاران با کارنامه درخشان در سریال‌های نوروزی و آثار روتین مناسبتی در ماه مبارک رمضان دقیقاً همان کارتی است که مدیران برای توجیه عملکردشان لازم دارند. اما این رویکرد یک ایراد اساسی دارد. تکیه مداوم بر چهره‌های تکراری و به اصطلاح «تضمین‌ده» نشان خوبی در سیاست‌گذاری محتوایی نیست و بازی در زمین ادوار گذشته مدیریت تلویزیون به حساب می‌آید. مدیرانی که تمام تخم مرغ هایشان را در سبد یک یا دو سلبریتی می‌چینند، عملاً از پرورش استعدادهای تازه و تنوع بخشی به آنتن غافل می‌شوند.

درست همین جاست که ضرورت ادامه مسیر «سند تحول» خود را نشان می‌دهد. مدیران فعلی سیما وظیفه دارند این سند را نه در حد شعار، که به مثابه نقشه راهی اجرایی پی بگیرند. تلویزیون نباید تکرار اشتباه مدیران قبلی باشد که هر بار با تکیه بر سلبریتی‌های تاریخ مصرف گذشته، صرفاً آنتن را پُر می‌کردند بدون آنکه ارزش افزوده‌ای برای مخاطب بسازند.

سند تحول دقیقاً برای شکستن همین چرخه معیوب تدوین شده است: کشف چهره‌های تازه، حمایت از فیلمسازان جوان و تولید محتوایی که مخاطب را نه با نام یک ستاره، که با کیفیت روایت و ایده پای تلویزیون بکشاند. عطاران هنرمند ارزشمندی است و بازگشتش می‌تواند اتفاق خوبی باشد، اما تلویزیون نباید به «عطاران‌محوری» یا «سلبریتی‌محوری» تقلیل یابد. مدیران سیما اگر واقعاً به آینده رسانه‌شان می‌اندیشند، باید هم‌زمان با رایزنی برای بازگرداندن ستاره‌ها، زیرساخت‌های کشف و پرورش نسل تازه‌ای از هنرمندان را نیز تقویت کنند. تلویزیونی که فقط منتظر بازگشت ستاره‌های دیروزش بنشیند، فردا ستاره‌ای برای بازگشت نخواهد داشت.

جلسه کمیسیون فرهنگی مجلس با خبرنگاران برای شنیدن دغدغه آن‌ها برگزار شد

حاج منصور ارضی و حمید نعمت‌الله بازیگران فرهنگی این مملکت‌اند

اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در نشست صمیمانه با اصحاب رسانه، از مراحل پایانی تدوین طرح جنجالی تنظیم‌گری صوت و تصویر فراگیر خبر دادند. بر اساس اعلام



محمد قربانی
روزنامه‌نگار

سلبی. علی‌زاده همچنین از رشد چشمگیر سهم فرهنگ در بودجه عمومی از چهار دهم درصد به بیش از سه و چهار دهم درصد خبر داد، هرچند آن را هنوز با استانداردهای مطلوب فاصله‌دار دانست. در بخش پایانی، امیرحسین ثابتی با انتقاد از تمرکز بیش از حد رسانه‌ها بر ویرتین سینما و تئاتر، خواستار توجه به لایه‌های مغفول‌مانده‌ای چون صیانت از زبان فارسی، دیپلماسی فرهنگی و صنعت مد و پوشاک شد. او ضمن گلایه از تخریب‌های یک‌سویه و هدفمند رسانه‌ای که مانع شکل‌گیری تعامل سازنده می‌شود، تعریف خود از فرهنگ را فراتر از کلیشه‌های رایج و قطب‌بندی‌ها دانست.

ثابتی با تأکید بر نگاه جامع‌نگرانه خود اظهار داشت: «من هم آثار متفاوتی را دنبال می‌کنم و چهره‌هایی از حمید نعمت‌الله حاج منصور ارضی را در یک طیف به عنوان فعال و بازیگر فرهنگی می‌پذیرم.» این رویکرد نشان می‌دهد کمیسیون فرهنگی در دوره جدید، به دنبال ترسیم نقشه‌ای فراگیرتر برای زیست‌بوم فرهنگی کشور است و قصد دارد از ظرفیت تمام سلاقی موجود بهره‌برد. علی‌اکبر علی‌زاده، دیگر عضو کمیسیون فرهنگی مجلس، در واکاو سرنوشت طرح‌های دوره قبل، به ناکامی «طرح ساماندهی فضای مجازی» در مجلس یازدهم گریزی زد.

به گفته وی، با وجود صرف زمان و انرژی کارشناسی فراوان، این طرح در ایستگاه‌های پایانی متوقف شد و هرگز به سرانجام نرسید. وی در ادامه با انتقاد صریح از توقف روند اجرای «قانون عفاف و حجاب»، از زوایای پنهان و کمتر شنیده‌شده این مصوبه پرده برداشت. علی‌زاده با تأکید بر اینکه بیش از یک هزار ساعت کار تخصصی برای تدوین این قانون صرف شده است، به یک سوءتفاهم بزرگ عمومی پاسخ داد و تصریح کرد: «برخلاف تصور رایج، هشتادوپنج درصد از این قانون ماهیتی اثباتی و اجبابی دارد و تنها پانزده درصد آن سلبی است.» این نماینده مجلس توضیح داد که بخش عمده و اثباتی قانون، نه به برخورد‌های قهری، بلکه به الزام نهاد‌های مختلف برای انجام وظایف ذاتی و فرهنگی خود اختصاص دارد و اساساً برنامه‌تیبیهی در آن گنجانده نشده است.

در این نشست که به بهانه روز خبرنگار برگزار شد، موضوعات متنوعی از معیشت اهالی رسانه و افزایش سهم فرهنگ در بودجه کل کشور تا سرنوشت طرح ساماندهی فضای مجازی و قانون عفاف و حجاب مورد واکاوی قرار گرفت. پیام اصلی این نشست، عبور از نگاه‌های تک‌بعدی به مقوله فرهنگ و تلاش برای ایجاد یک دیپلماسی رسانه‌ای مستمر میان بهارستان و فعالان این عرصه بود. حجت‌الاسلام مرتضی آقائهرانی، رئیس کمیسیون فرهنگی، در آغاز این نشست بر ضرورت تداوم گفت‌وگوهای بی‌واسطه با خبرنگاران تأکید کرد و آن را ضامن قانون‌گذاری دقیق‌تر و نظارت کارآمدتر دانست. اما بی‌شک مهم‌ترین بخش اظهارات نمایندگان به سرنوشت طرح جنجالی ساترا اختصاص داشت.

حمید رسایی با تشریح روند پریپچ و خم این لایحه، از برگزاری ده‌ها جلسه کارشناسی با حضور مدیران پلتفرم‌های نمایش خانگی، صداوسیما و وزارت ارشاد خبر داد. به گفته او، متن فعلی تفاوتی بنیادین با نسخه پیشین‌های و محدودکننده اولیه ساترا دارد و تنها به دلیل برخی اختلاف‌نظرهای نهادی و وقفه‌های ناشی از شرایط خاص منطقه‌ای، ده تا پانزده درصد نهایی آن باقی مانده است. رسایی همچنین درباره طرح ساماندهی فضای مجازی تصریح کرد که یک کمیسیون مشترک در حال رفع ایرادات نسخه متوقف‌شده مجلس قبل است و درباره موضوع سلبریتی‌ها نیز فعلاً تنها در حال بررسی گزارش‌های مرکز پژوهش‌ها هستند. در سوی دیگر این نشست، علی‌اکبر علی‌زاده به دفاع از عملکرد مجلس در حوزه‌های چالش برانگیز پرداخت.

او با یادآوری توقف طرح فضای مجازی در روزهای پایانی مجلس یازدهم به دلیل فضا‌سازی‌های رسانه‌ای، از صرف بیش از هزار ساعت کار کارشناسی روی قانون عفاف و حجاب سخن گفت. وی تأکید کرد که هشتادوپنج درصد این قانون ماهیتی اجبابی و متوجه وظایف نهاد هاست، نه صرفاً رویکرد‌های

یادداشت

سینمای رسمی، در خدمت سینمای زیرزمینی یا شاید پروژه‌ای

سعید مصباح
روزنامه‌نگار

ماجرای انتشار نسخه کامل فیلم بی‌داد سهیل بیرقی در یوتیوب در سکوت سازندگان آن تأمل برانگیز است و در لایه عمیق‌تر باید به عنوان نشانه‌ای از یک مسئله جدی‌تر در سینمای ایران دیده شود؛ مسئله‌ای که سال‌هاست از کنار آن عبور کرده‌ایم: چگونه بخشی از سینمایی که از امکانات رسمی کشور استفاده می‌کند، در نهایت به تریبونی برای عبور از همان چارچوب‌های فرهنگی تبدیل شده است؟ بی‌داد را نباید صرفاً به عنوان یک فیلم متخلف خوانش کرد. این فیلم محصول یک روند است؛ روندی که در آن برخی فیلمسازان با استفاده از سرمایه، تجهیزات، نیروی انسانی حرفه‌ای، بازیگران شناخته‌شده و ظرفیت‌های فنی سینمای ایران، آثاری تولید می‌کنند که بخش قابل توجهی از محتوای آن‌ها در تقابل با مبانی فرهنگی، شرعی و اجتماعی جامعه ایران قرار دارد.

کافی است به آنچه در سال‌های اخیر در بخشی از سینمای ایران به تصویر کشیده شده نگاه کنیم؛ مصرف علنی مشروبات الکلی، روابط خارج از چارچوب‌های شرعی و اخلاقی، بی‌حجابی و نمایش سبک زندگی‌ای که اساساً با زیست‌بخش بزرگی از جامعه اسلامی-ایرانی فاصله دارد. آیا واقعا می‌توان همه این موارد را صرفاً محصول یک انتخاب هنری دانست؟

وقتی یک گروه حرفه‌ای سینمایی با برنامه‌ریزی، فیلمنامه، طراحی صحنه، فیلمبرداری و تدوین، چنین تصاویری را تولید می‌کند، نمی‌توان نسبت به اثر درازمدت آن بی‌تفاوت بود. درواقع مسئله شکستن قبح رفتارهایی است که به عنوان هنجار شناخته می‌شوند. سینما اگر بتواند چیزی را که دیروز ناپذیرفتنی بود، امروز عادی و فردا مطلوب نشان دهد، عملاً در حال تغییر مرزهای فرهنگی جامعه است.

تناقض عجیب‌تر آنجاست که بخشی از این جریان، در حالی خود را سینمای مستقل یا سینمای زیرزمینی معرفی می‌کند که در مرحله تولید از ظرفیت‌های سینمای رسمی کشور بهره‌برده است. یعنی امکانات ساختاری در اختیار جریانی قرار گرفته که محصول آن، دست‌کم در مواردی، علیه همان ارزش‌هایی عمل می‌کند که ساختار رسمی مدعی حفاظت از آن‌هاست.

در مورد سهیل بیرقی نیز این مسیر چندان غافلگیرکننده نیست. از نخستین فیلم‌های او می‌شد علاقه به عبور از خطوط قرمز فرهنگی و حرکت به سمت سینمایی متفاوت با چارچوب‌های رسمی را مشاهده کرد. بی‌داد را باید ادامه همین مسیر دانست؛ مسیری که امروز به جایی رسیده که محصولش خارج از سازوکار رسمی سینما و در یوتیوب منتشر می‌شود. اکنون یک سؤال جدی باقی می‌ماند: این فیلم به سرعت رفته یا آگاهانه منتشر شده است؟ اگر انتشار عامدانه بوده، باید پرسید چرا فیلمی که امکان اکران رسمی نداشته، حالا بدون هیچ مانعی در دسترس میلیون‌ها نفر قرار گرفته است؟

درواقع مشکلی اصلی در اینجا خلأ سیاست فرهنگی است. وقتی سینمای رسمی نتواند مرزهای خود را مشخص کند و سپس اعمال اقتدار ذیل قانون کند، سینمای زیرزمینی دقیقاً از همین شکاف عبور خواهد کرد و صراحتاً در برابر هنجارها خواهد ایستاد.



مرور فهرست پرفروش‌های تیرماه باغ کتاب تهران نشان می‌دهد سلیقه مخاطبان در نخستین ماه تابستان بیشتر به آثاری با مضامین عاطفی، هویتی و تأمل برانگیز گرایش داشته است؛ کتاب‌هایی که روایت‌های تاریخی و سیاسی را از منظر شخصی و روان‌شناختی بازگو می‌کنند. حضور

خون دلی که لعل شد همچنان در صدر فروش